

[مرتضی فرچپور]

دانشمندان علم الحدیث در این زمینه بحث کرده‌اند که دانستن مورد صدور حدیث و زمینه‌هایی که در فهم حدیث دخالت دارد - مانند سؤالی که منجر به جواب معصوم شده - در فهم معنای صحیح حدیث و دلالت آن، نقش اساسی دارد. و ندانستن آن یا بی توجهی به آن یا تقطیع حدیث سبب می‌شود که به معنای دیگری از حدیث برسیم که گاهی با جهت گیری کلی دین منافات دارد.

مثالهای متعدّد در این زمینه آورده‌اند، که به یک مثال توحیدی برای تبیین مطلب بسنده می‌کنیم:

شاید بتوان تلاش دشمنان را در کتمان خطبه مفصل غدیر، در همین راستا دانست؛ چرا که هر کس متن کامل خطبه را بخواند، برای او کمترین تردیدی نمی‌ماند که «مولی» در بیان پیامبر، معنایی جز ریاست و سیادت در تمام شؤون دنیا و آخرت ندارد. و راه استوار، منحصر در قبول ولایت اهل بیت و تبری از دشمنان است.

ولی با تقطیع حدیث و انحصار آن در یک جمله (من کنت مولا...) می‌توان آن را به سوی معانی دیگر کلمه مولی کشانید.

باری، این اصل در مورد احادیث مربوط به امامت نیز کاربرد دارد که در اینجا دو نمونه بیان می‌شود.

### ۱- تفسیر سوره حمد

در تفسیر آیه ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾، در تفسیر تبیان، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «هم الیهود هم النصارى».

بر اساس این حدیث در تمام تفاسیر، همین مصادیق برای مغضوب و ضالّ یاد شده است. البته منکر مصادیق متعدّد برای یک آیه نمی‌توان شد. ولی اگر دقیق‌تر به همین حدیث بنگریم، به نکته عمیقی در باب امامت می‌رسیم. و آن اینک:

شیخ طوسی، متن کامل حدیث را در کتاب‌های دیگر خود (تهذیب و استبصار) آورده، و در

تبیان، خلاصه آن را نقل کرده است. متن کامل حدیث به نقل وحید بهبهانی چنین است: «وصحیحة معاویة بن وهب أنه قال للصادق علیه السلام: أقول: آمین إذا قال الإمام: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾. فقال: هم اليهود والنصارى»<sup>۱</sup>.  
وحید بهبهانی پس از نقل حدیث می‌نویسد:

وهذه تنادی بأعلى صوتٍ عدم رضاه علیه السلام بهذا القول فيه إلى حدِّ الجأه إلى أن قال ما قال، ولم يرخّص. وليس ذلك إلا لكون العامه شعارهم ذلك، ففي كلام يكون القائل هو اليهود والنصارى.<sup>۲</sup>

خلاصه اینکه بر اساس متن کامل حدیث، مغضوب و ضالّ، یعنی عامّه، در خروج از اسلام و ایمان به یهود و نصاری تشبیه شده‌اند. این حقیقت، در زیارت جامعه کبیره به بیان امام هادی علیه السلام چنین آمده است:

- وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمان.  
- وصل من فارقكم.

این دو جمله، به ترتیب، معانی دو بخش آیه یاد شده را بیان می‌کند. البته مؤیدات دیگر برای آن وجود دارد که به ملاحظه اختصار، از بیان آن صرف‌نظر می‌شود.

## ۲- معنای صحیح تفرقه

گاهی بر اساس حدیث حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «یاکم والفرقة»، به این نتیجه می‌رسند که باید درباره حقایق امامت سکوت کرد تا وحدت امت خدشه دار نشود. و هر کس در باب امامت سخن بگوید، این نهی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نادیده گرفته است. برای فهم بهتر این نهی حضرت، باید به چند نکته توجه شود:

۱- این جمله خطاب به خوارج است، که از پیرامون امام حقّ پراکنده شده بودند و به افتراق (دوری از حجّت الله) روی آورده بودند، نه خطاب به مؤمنان که مدّعی بحقّ خود را فراموش کنند.

۲- این نهی حضرت، دقیقاً بیان دیگری از آیه شریفه است که فرموده: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۷۵/۲، ح ۲۷۸؛ شیخ صدوق، الاستبصار، ۳۱۹/۱، ح ۱۱۸۸؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۶۷/۶، ح ۷۳۶۳.

۲. بهبهانی، وحید، مصابیح الظلام، ۲۴۵/۷ - ۲۴۶.

الله جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا<sup>۱</sup>، یعنی اینکه از اعتصام به جبل متین الهی تفرقه حاصل نشود. طبق احادیث معتبر فراوان، مراد از جبل الله، قرآن و اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی همان یادگارهای گرامی پیامبر که در حدیث ثقلین، اَمّت را برای رهایی از ضلالت، به آنها سپرده و به تمسک به آنها امر فرموده است.

۳- امام امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی بلند، حکمت بعضی از اصول و فروع دین را بیان می‌دارد، از جمله اینکه می‌فرماید: «جعل الله... والإمامة نظاماً للأمة، والطاعة تعظيماً للإمامة»<sup>۲</sup>.

همین مضمون در خطبه فدکیه حضرت صدیقه کبری - سلام الله علیها - نیز آمده است: «جعل الله... و إمامتنا أماناً من الفرقة».

همین مضمون در بیان امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره به این تعبیر آمده است: «وبموالاتکم تمت الکمة... وائتلفت الفرقة».

بدیهی است که حدیث «ایاکم و الفرقة» در راستای دیگر کلمات خاندان عصمت است و جدا از کل آن هدف اساسی نیست.

۴- اساساً حق و باطل، نه بر مبنای تعداد پیروان آنها، بلکه بر مبنای انطباق با حق باید تعریف شود.

لذا در حدیث است که: «جماعة أمتی أهل الحق و إن قلّوا، و الفرقة أهل الباطل و إن کثروا»<sup>۳</sup>. آیات فراوان قرآن، اکثریت باطل را مذمت می‌کند، مثلاً: اکثرهم مشرکون (یوسف / ۱۰۶)، اکثرهم فاسقون (مائده ۵۹ و توبه ۸)، اکثرهم لا یعلمون (اعراف ۱۸۷، یوسف ۲۱)، اکثرهم لا یؤمنون (هود ۱۷)، اکثرهم الکافرون (نحل ۸۱).

در برابر، گروه اندک شمار پیروان حق را می‌ستاید: وقلیل من عبادی الشکور (سبأ / ۱۳)، و ما آمن معه إلاّ قلیل (هود / ۴۰).

حاشا از حجت خدا و قرآن ناطق که داعی به سوی این جمعیت و اتحاد با دشمنان جبل الله باشد.

۱. در بعضی از چاپ‌های متأخر نهج البلاغه، در این عبارت تحریف روی داده و به جای «الإمامة»، کلمه «الأمانة» آورده‌اند، بدون توجه به اینکه در عبارت بعدی بار دیگر «للإمامة» آمده و باید پیوند میان دو جمله حفظ شود.

۲. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۵۴ - ۱۵۵؛ همو، الأمالی، مجلس ۵۴ حدیث ۳، روایت ۵۳۶.

۵- مینای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سکوت و صبر، همان است که در روایات فراوان آمده و در اینجا فقط به دو نقل از ابن ابی الحدید اکتفا می‌شود.

شارح معتزلی نهج البلاغه می‌نویسد: «لو وجدت أربعين ذوی عزم... ذکره نصر بن مزاحم و ذکره کثیر من أرباب السيرة»<sup>۱</sup>.

نیز از حضرت امیر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «فنظرت في معسکری و لیس فیها خمسون رجلاً»<sup>۲</sup>.

برای تأیید این حقیقت و حُسن ختام این یادداشت، به چند جمله از زیارت غدیریه صادره از امام هادی (علیه السلام) توجه شود که محدث قمی در هدیه الزائرین، بر صحت سند آن تأکید کرده و خواندنش را در هر زمان، از نزدیک و دور توصیه می‌کند.

امام هادی (علیه السلام) خطاب به جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

و أشهد أنك ما اتقيت ضارعا، و لا أمسكت عن حَقك جازعا، و لا أحجمت عن مجاهدة عاصيك ناكلا، و لا أظهرت الرضا بخلاف ما يرضى الله مداهنا، و لا وهنت لما أصابك في سبيل الله، و لا ضعفت و لا استكنت عن طلب حَقك مراقبا.

معاذ الله أن تكون كذلك، بل إذ ظلمت فاحتسبت ريبك، و فوضت إليه أمرک، و ذكرت فما ذكروا، و وعظت فما اتعظوا، و خوفتهم الله فما يخافوا.<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲ / ۲۲ و ۴۷.

۲. همان، ۶ / ۹۸.

۳. شیخ مفید، مزارکبیر منسوب به شیخ مفید (تصحیح احمدعلی مجید الحلی)، ۱۴۶.